

«امیر چاهکی» در گفت‌وگو با «توسعه ایرانی»:

اراده کاخ سفید؛ پایان دادن به منازعه ۴۷ ساله با تهران است



حمیدرضا مهدیزاده

تحولات اخیر در عرصه سیاست خارجی ایران و روابط میان تهران و واشنگتن، ناظران بین‌المللی و کارشناسان ژئوپلیتیک رابسیا یکی از غیرمنتظره‌ترین و در عین حال حیاتی‌ترین چرخش‌های دیپلماتیک در تاریخ معاصر روبرو کرده‌است. در پی یک دوره چهل‌روزه تنش نظامی بی‌سابقه و خسارت‌بار میان تهران، واشنگتن و تل‌آویو، پس از ده‌ها تقابل مستمر، امضای یادداشت تفاهم «اسلام‌آباد» میان جمهوری اسلامی و ایالات متحده آمریکا، بویایی‌های قدرت در منطقه خاورمیانه را وارد دفاژ جدیدی کرده‌است.

این سنده که خلاف پیش‌بینی بسیاری از محافل جنگ‌طلب داخلی و منطقه‌ای به‌ویژه دولت راست‌گرای افراطی بنیامین نتانیاهو رقم خورد، فراتر از یک توافق موقت، به عنوان یک نقشه‌راه ۶۰ روزه برای دستیابی به معاهداتی جامع و پایدار عمل می‌کند. لغو محاصره در ریایی بنادر ایران، بازگشایی تنگه هرمز، آغاز فرآیند آزادسازی دریای‌های بلوکه‌شده و تیرین چارچوب‌های کلان‌امینتی و اقتصادی، از جمله سیگنال‌های عملی اولیه هستند که از اراده جدی طرفین برای کاهش تنش‌ها حکایت دارند. بدین حال، پرسش‌های کلیدی پیرامون پایداری این توافق، مواضع بی‌شائبه دونالد ترامپ، شکاف بی‌سابقه میان واشنگتن و تل‌آویو، و سرنوشت جبهه‌های موازی نظیر حزب‌الله لبنان همچنان پابرجاست.

در همین خصوص با دکتر «امیر چاهکی»، کارشناس روابط بین‌الملل در برلین، گفت‌وگو کرده‌ایم که تقدیمی مخاطبان را آشنایی دهد.

خانم‌ها و آقایان، به «میز سیاست‌خارجی توسعه‌ایرانی» خوش‌آمدید.

امیر چاهکی عزیز، نتایج توافق با دبیر خلاق انتظار بسیاری از کارشناسان و ناظران بین‌المللی، یادداشت تفاهمی میان تهران و واشنگتن به امضا رسید. از نایب اولیه شما از این سند چیست؟

با درود به شما و مخاطبان ارجمند «توسعه‌ایرانی».

یادداشت تفاهم «اسلام‌آباد» علی‌رغم کلی بودن برخی مفاد آن در وهله نخست تندرستی‌های جنگ‌طلب داخلی و همچنین دولت‌راست‌گرای افراطی اسرائیل به‌ربریی بنیامین نتانیاهو را که ادامه جنگ و تنش‌های منطقه‌ای را شرط بقا و موفقیت خود در انتخابات پارلمانی آینده می‌دانند، دچار شوک و افسردگی سیاسی کرد. در عین حال، این سند نشان‌دهنده نوعی تغییر نگرش در رهبری جمهوری اسلامی ایران است. به‌مناسبت باچنان غریب‌به‌ویژه ایالات متحده آمریکا است. در طول ۴۷ سال پس از انقلاب ۱۳۵۷، شاید برای نخستین بار جمهوری اسلامی ایران چنین سند سیاسی و راهبردی مهمی را مستقیماً با ایالات متحده آمریکا امضا می‌کند. بدون تردید، این نخستین بار است که مردم ایران و آمریکا امضای رؤسای جمهور دو کشور را ذیل یک سند مشترک مشاهده می‌کنند. دو کشوری که ده‌ها درگیر یکی از پر تنش‌ترین و پیچیده‌ترین منازعات سیاسی معاصر بوده‌اند.

برجام که در سال ۲۰۱۵ با امضا رسید، توافقی چندجانبه بود که با حضور سه قدرت اروپایی، یعنی آلمان، فرانسه و بریتانیا به همراه روسیه و چین و در سطح وزیران امور خارجه منعقد شد. اما تفاهم اسلام‌آباد، توافقی مستقیم میان تهران و واشنگتن است و از همین منظر جایگاه ویژه‌ای در تاریخ روابط دو کشور خواهد داشت.

من بر این باورم که این یادداشت تفاهم، پیش از هر چیز، بازتاب پیروزی سیاسی و اخلاقی مردم ایران و نیز بخشش واقع‌بین، میهن‌دوست و صلح‌طلب نیروهای سیاسی ایران، چه در داخل کشور و چه در خارج از آن است. تجربه تلخ و خونین چهل‌روز جنگ بار دیگر نشان داد که جنگ چیزی جز ویرانی، مرگ و رنج انسانی به همراه ندارد. نمی‌تواند مسیر دست‌نیابنی به آزادی، مموکراسی، توسعه و رفاه راهموار سازد.

در اینجا لازم می‌دانم به یاد تمامی قربانیان حملات نظامی آمریکا و اسرائیل به ایران ادا احترام کنم؛ به‌ویژه دختران

اهداف آمریکا و اسرائیل که در آغاز حملات مشترک و در جریان جنگ چهل‌روزه تاحدی هم پوشش‌گانی داشت، به تدریج از یکدیگر فاصله گرفت. به‌نظر می‌رسد آمریکا در پی تحقق الگویی مشابه تجربه ونزوتلا در ایران بود. در حالی که دولت نتانیاهو با اتکا به تبلیغات و وعده‌های بخشی از اپوزیسیون، به‌ویژه جریان سلطنت‌طلب، بیش از هر چیز به دنبال سرنگونی حکومت و تل‌آویو آشکار تر شد.

داشتند و تقریباً به صورت ششانه‌روزی درباره جزئی‌ترین مسائل سیاسی، حقوقی و فنی گفت‌وگو می‌کردند تا سرانجام توافق نهایی حاصل شد. بنابراین کاملاً طبیعی است که تفاهم اسلام‌آباد نیز برای تبدیل شدن به یک معاهده رسمی و جامع به زمان نیاز داشته‌باشد.

در یادداشت تفاهم اسلام‌آباد ما با یک نقشه راه نسبتاً مدون و مشخص روبرو هستیم که حوزه‌های مهم سیاسی، منطقه‌ای، امنیتی، اقتصادی، بانکی و پولی را تقریباً بدون ابهام تعریف کرده و یک دوره شصت‌روزه – که در شرایط خاص قابل تمدن نیز هست – برای رسیدن به توافق نهایی در نظر گرفته‌است.

در این سند موضوعاتی همچون تشکیل صندوق توسعه و بازسازی ۳۰۰ میلیارد دلاری پس از توافق نهایی لغو تمامی تحریم‌های یک‌جانبه‌جانبه علیه ایران، تعیین تکلیف پرونده فناوری هسته‌ای ایران و عدم تولید یا «تایید» سلاح هسته‌ای، خودداری از اعمال تحریم‌های جدید، آزادسازی دریای‌های بولی، بانکی و اسنادی ایران، صادرات بدون مانع نفت و فرآورده‌های نفتی و دسترسی کامل ایران به درآمدهای حاصل از آن مورد توجه قرار گرفته‌است. همچنین پایان جنگ در تمامی جبهه‌ها، از جمله لبنان، که عملاً موضوع جنگ علیه حزب‌الله لبنان را نیز در بر می‌گیرد، از دیگر محورهای مهم این تفاهم‌نامه است.

نکته مهم آن است که برخی از این تعهدات تقریباً بلافاصله وارد مرحله اجرا شده‌اند. صادرات بدون مانع حامل‌های انرژی و دسترسی تدریجی ایران به منابع مالی حاصل از آن، رفع محاصره دریایی و بازگشایی مسیرهای کشتیرانی نمونه‌هایی از این روند هستند. در عین حال، گزارش‌های متعدد غیررسمی، حتی از سوی برخی منابع آمریکایی و اسرائیلی، حاکی از آن است که تا ۲۴ میلیارد دلار از دریای‌های نقدی ایران از طریق امارات متحده عربی و قطر آزاد یابد. دسترس تهران قرار گرفته‌است؛ اقدامی که احتمالاً با هدف ایجاد انگیزه و اعتماد متقابل برای انعقاد این تفاهم‌نامه انجام شده‌است.

پس از گذشت ۱۱۲ روز از آغاز جنگ، اگر تحولات رانگاری‌های واقعی به‌ررسی کنیم، به این نتیجه می‌رسیم که اهداف آمریکا و اسرائیل که در آغاز حملات مشترک و در جریان جنگ چهل‌روزه تا حدی هم پوشش‌گانی داشت، به تدریج از یکدیگر فاصله



گرفت، به نظر می‌رسد آمریکا در پی تحقق الگویی مشابه تجربه ونزوتلا در ایران بود. در حالی که دولت نتانیاهو با اتکا به تبلیغات و وعده‌های بخشی از اپوزیسیون، به‌ویژه جریان سلطنت‌طلب، بیش از هر چیز به دنبال سرنگونی حکومت ایران بود. اما هر چه زمان گذشت، شکاف میان اهداف واشنگتن و تل‌آویو آشکار تر شد.

دونالد ترامپ خود اذعان کرده‌است که بسته شدن تنگه هرمز و حملات موفقیت‌آمیز ایران به برخی دریای‌های نظامی و اقتصادی آمریکا و متحدان عرب آن، او و تمیش را غافلگیر کرده‌است. وی همچنین در روزهای منتهی به تفاهم اسلام‌آباد تصریح کرد که ادامه بمباران ایران، حتی اگر دو سال دیگر نیز ادامه می‌یافت، الزاماً به بازگشایی تنگه هرمز منجر نمی‌شد. او همچنین به تعمیق بحران انرژی در جهان، فشارهای اقتصادی ناشی از آن و کاهش ذخایر نفتی اشاره کرد.

تساب‌وری ایران، عدم فروپاشی ساختار حکومتی، ناتوانی آمریکا در دفاع کامل از برخی متحدان عرب خود در خلیج فارس و ادامه توان عملیاتی ایران، در عمل موقعیت ژئوپلیتیکی تهران را تقویت کرد. حتی امارات متحده عربی که پیش از سایر متحدان منطقه‌ای آمریکا هدف حملات در نهایت به مذاکرات مستقیم و محرمانه با تهران روی آورد و در مسیر آزادسازی بخشی از دریای‌های ایران گام برداشت.

مجموع این تحولات سیاسی، نظامی و اقتصادی موجب شد که مواضع واشنگتن و تل‌آویو بیش از گذشته با یکدیگر فاصله بگیرد. امروز شاهد انتقادهای کاملاً سابقه و حتی تند

دونالد ترامپ از بنیامین نتانیاهو هستیم؛ انتقادهایی که در داخل اسرائیل نیز بازتاب گسترده‌ای داشته و موجب نامیدی و انفعال سیاسی در میان بخشی از جریان‌های حکومتی و سیاسی آن کشور شده‌است. بر همین اساس، من این تحلیل را که اختلافات میان آمریکا و اسرائیل صرفاً نمایشی است و یادداشت تفاهم اسلام‌آباد با عقب‌نشینی آمریکا نتانیاهو را متقاعد به موفقیت حملات برقی اساعلیه ایران کرده‌بود، باعث شد مذاکرات زتو به شکست بین‌جامد.

اگر روند کنونی حفظ شود، طرفین بنوانند مخالفان داخلی و منطقه‌ای این توافق را مهار کنند، شانس موفقیت مذاکرات شصت‌روزه آینده را بالای می‌دانم. تحقق چنین توافقی نه تنها به سود مردم ایران، بلکه به سود ثبات منطقه، اقتصاد جهانی و آینده روابط ایران با جهان خواهد بود. همه این تحولات به سود مردم، منافع ملی و آینده ایران خواهد بود.

نمی‌دانم. در سیاست بین‌الملل هیچ چیز مطلق نیست، اما شواهد کنونی بیش از آنکه از یک سناریوی فریب‌حکایت‌داشته باشند، نشان‌دهنده تغییر مواضع راهبردی واشنگتن در نتیجه هزینه‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی و انرژی این جنگ هستند. اسرائیل مهم‌ترین مخالف پایان جنگ علیه ایران و به نتیجه رسیدن مذاکرات ایران و آمریکا است و در آمریکا نیز بسیاری، از جمله جی‌دی ونس، معاون رئیس‌جمهور، دولت و مشخص نتانیاهو را یاتی و مبتکر جنگ چهل‌روزه می‌دانند. آیا ادامه حملات اسرائیل به لبنان و حزب‌الله با هدف وارد کردن جمهوری اسلامی ایران به جنگ و تحریب یادداشت تفاهم اسلام‌آباد شدت نخواهد یافت؟ در انتظار چه چیزی باید باشیم؟

در ندلول این سننداز «متحدین» جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا سخن می‌رود. در ادامه، خامنه‌همه «عملیات نظامی در تمامی جبهه‌ها از جمله در لبنان» را اعلام می‌دارد. بدین ترتیب آمریکا و ایران مسئولیت تحت کنترل قرار دادن اسرائیل و لبنان را بر عهده گرفتند. اسرائیل مدعی است که جنوب لبنان را در پی حملات مستمر پهنادی به شمال اسرائیل به عنوان منطقه حائل اشغال کرده در عین حال آن کشور به بیرون نیز حمله کرد. ما شاهد بودیم که ایران برای اولین بار در تاریخ، در پی حملات اسرائیل به لبنان، نه به ایران – نه به آن کشور حمله کرد. این موضوع به خوبی نشان می‌دهد که سرنوشت لبنان و روند اجرای تفاهم اسلام‌آباد تا چه اندازه به یکدیگر گره خورده‌اند و هر گونه تشدید بحران در این جبهه می‌تواند بر کل روند مذاکرات سایه بیفتد.

بر این باورم که سرنوشت ملت و آینده ایران نباید به حزب‌الله لبنان یا «محور مقاومت» پیوند بخورد. اما دیدیم که دولت ترامپ نیز حملات اسرائیل را محکوم کرد و نتانیاهو را در تماس مستقیم تلفنی و نیز در گفت‌وگو با خبرنگاران «دیوانه» خطاب کرد. این موضع‌گیری‌ها صرف‌نظر از هر ارزیابی سیاسی، نشان‌دهنده سطح کم‌سابقه اختلافات میان واشنگتن و دولت کنونی اسرائیل است.

حقیقت این است که اکثر دولت‌های اسرائیل و به‌ویژه دولت دست‌راستی فعلی آن کشور، بقای خود را در جنگ‌های پایان با همسایگان خود و نیز برای فلسطینی می‌بینند، ولی هر چه می‌گذرد، متحدین سنتی اسرائیل همچون بریتانیا، اتحادیه اروپا و مهم‌تر از همه ایالات متحده آمریکا از این سیاست «جنگ بی‌پایان» فاصله می‌گیرند و شاهد انزوا می‌شوند. میان المللی آن کشور هستیم.

ایران برای اولین بار در تاریخ، در پی حملات اسرائیل به لبنان – نه به ایران – به آن کشور حمله کرد. در آن موضوع به خوبی نشان می‌دهد که سرنوشت لبنان و روند اجرای تفاهم اسلام‌آباد تا چه اندازه به یکدیگر گره خورده‌اند و هر گونه تشدید بحران در این جبهه می‌تواند بر کل روند مذاکرات سایه بیفتد. بر این باورم که سرنوشت ملت و آینده ایران نباید به حزب‌الله لبنان یا «محور مقاومت» پیوند بخورد.

آری حمیدرضای عزیز، من و تو نگران شکست این مذاکرات و آغاز جنگ بودیم. روزنورا آخرین ایستگاه مذاکراتی پیش از ارزیابی کردیم. حقیقت این است که مطالبات جدی‌تری تیم آمریکایی، در کنار تأثیرات ملاقات چندساعته دونالد ترامپ و بنیامین نتانیاهو در کاخ سفید پیش از این مذاکرات، که در آن ظاهر آنخست‌توسر اسرائیل ترامپ را متقاعد به موفقیت حملات برقی اساعلیه ایران کرده‌بود، باعث شد مذاکرات زتو به شکست بین‌جامد.

توافق جامع در مدت ۶۰ روز غیرواقعیانه است. همچنین یکی از نگرانی‌های اصلی اروپا این است که حدود ۴۴۰ کیلوگرم اورانیوم باغنی بالا همچنان داخل ایران باقی می‌ماند، نه اینکه مانند سال ۲۰۱۵، به خارج منتقل شود.

سنگ برهنه نتایج محدود

از جنگ دیگری، هیأت تحریریه واشنگتن پست می‌پرسد: «ایا جنگ ایران واقعاً پایان یافته‌است؟» و معتقد است نتیجه نهایی کمتر از اهداف آمریکا بوده‌است.

زیرا جنگ توان نظامی ایران را کم‌آلود نکرد؛ طبق گزارش‌های اطلاعاتی افشاشده، ایران حدود ۷۰ درصد توان موشکی خود را حفظ کرده‌است، در حالی که گروه‌های متحد تهران مانند حزب‌الله و حوثی‌ها همچنان باقی‌مانده‌اند. در مقابل، ۱۲ میلیارد دلار از کلاهک‌های هسته‌ای ایران در دست است. از جمله: ۴۲۰۰ نفوزخمی شدند، همچنین ذخایر تسلیحاتی آمریکا به میزان زیادی مصرف شد.

این جنگ همچنین بر روابط واشنگتن با متحدان اروپایی و کشورهای خلیج فارس تأثیر گذاشت و باعث افزایش تورم آمریکا به ۴.۲ درصد شد. به گفته‌های روزنامه‌های مجموعه گسترده‌ای از امتیازات راه‌به دست آورده‌است، از جمله: رفع محاصره دریایی؛ از سرگیری صادرات نفت؛ آزادسازی دریایی‌های به ارزش ۲۴ میلیارد دلار؛

در طول ۴۷ سال پس از انقلاب ۱۳۵۷، شاید برای نخستین بار جمهوری اسلامی ایران چنین سند سیاسی و راهبردی مهمی را مستقیماً با ایالات متحده آمریکا امضای می‌کند. بدون تردید، این نخستین بار است که مردم ایران و آمریکا امضای رؤسای جمهور دو کشور را ذیل یک سند مشترک مشاهده می‌کنند؛ دو کشوری که ده‌ها درگیر یکی از پر تنش‌ترین و پیچیده‌ترین منازعات سیاسی معاصر بوده‌اند

اما این بار لغو مذاکرات روز جمعه در سئوئیس به دلیل آغاز احتمالی حملات آمریکا نیست. پزیدنت غیر قابل‌پیش‌بینی آمریکا، پس از امضای دیپلماتی یادداشت تفاهم میان قالیلیاف ونس، تصمیم گرفت نسخه کانگنسی آن را در ۲۶ خرداد و در ضیافت شام رئیس‌جمهور فرانسه، امانوئل مکرون، امضا کند و در پاسخ نیز دیدیم که دکتر مسعود پزشکیان آن امضا کرد. بدین ترتیب، بهانه تشریفاتی ملاقات روز جمعه میان ونس و قالیلیاف نیز وجود نداشت و مسئله اصلی، یعنی مذاکرات مضمونی و تخصصی در ساره مفاد یادداشت تفاهم اسلام‌آباد، جای آن را گرفت.

در این میان، ادامه شرایط جنگی در لبنان و تلاطم حملات اسرائیل و حزب‌الله به یکدیگر نیز در تعلق این مذاکرات نقش داشته‌است. با توجه به اینکه در بندل‌اول توافق چهارده‌مادامی بر پایان جنگ در تمامی جبهه‌ها، از جمله در لبنان تأکید شده‌است، می‌توان عدم سفر هیأت‌های ایرانی و آمریکایی به سئوئیس را تا حدی ناشی از ضرورت روشن شدن وضعیت این جبهه و نحوه اجرای تعهدات طرفین در لبنان نیز دانست. فکر می‌کنم طی چند روز نزدیک این مذاکرات بر گزار خواهد شد.

در جریان اجلاس هفت کشور صنعتی در فرانسه، دونالد ترامپ به صراحت از دلایل پایان جنگ با ایران و تمایل خود به حل مسالمت‌آمیز مسائل هسته‌ای با تهران سخن گفت. وی رسماً از رهبران ایران تمجید کرد و روشن بود که تلاش دار فضای مناسبی برای ادامه روند مذاکرات فراهم سازد. او عملاً از حق بر خود دری‌ان‌زغنی‌سازی محدود نیز حفظ توان دفاعی و موشکی کشور دفاع کرد. جی‌دی ونس نیز با رویکردی مشابه سخن گفت و بر ضرورت حل‌وفصل سیاسی اختلافات تأکید کرد.

برای نخستین بار رئیس‌جمهور آمریکا و معاون وی، جی‌دی ونس، به‌طور آشکار به اسرائیل و بنیامین نتانیاهو تاختند و با اشاره به وابستگی نظامی، اقتصادی و سیاسی آن کشور به ایالات متحده، عملاً شصت‌توسر اسرائیل را سیاست‌مداری جنگ‌طلب و غیرمسئول توصیف کردند. چنین موضعی را تا چند ماه پیش به سختی می‌شد تصور کرد و همین مسئله نشان‌دهنده تغییر مهمی در فضای سیاسی حاکم بر واشنگتن است.

من معتقدم که اراده سیاسی امروز در کاخ سفید، رسیدن به یک توافق‌نامه نهایی با ایران و پایان دادن به منازعه چهارهفت‌ساله میان دو کشور است. در همین یادداشت تفاهم نیز شاهد عقب‌نشینی‌های ملموس پزیدنت ترامپ در برابر ایران هستیم. عقب‌نشینی‌هایی که در ماه‌های گذشته کمتر است. آن را پیش‌بینی می‌کرد. بدین دلیل، برخلاف فضای حاکم بر هفته‌های منتهی به جنگ، امروز نشانه‌های بیشتری از تمایل واشنگتن به دستیابی به یک توافق پایدار دیده می‌شود.

بدین ترتیب، اگر جنگ طلبان و کاسبان نامردمی تحریر در داخل کشور آرام بگیرند و خشن شوند و رهبران ایران نیز همین روش فعلی مبتنی بر واقع‌گرایی سیاسی، شیوشتنداری و دیپلماسی فعال را ادامه دهند، شانس تاریخی دست‌یابی به یک معاهده جامع با ایالات متحده فراهم خواهد شد؛ معاهداتی که در آن منافع ملی ایران تأمین شود و در عین حال یک ترک‌مخاصه رسمی نیز عملاً شکل بگیرد.

به‌باور من، مهم‌ترین تفاوت امروز با ماه‌های پیش از جنگ آن است که هر دو طرف فاکتور هزینه‌های واقعی تقابل نظامی را تجربه کرده‌اند. جنگ چهل‌روزه نه تنها خسارت‌های سنگینی برای همه طرف‌ها به همراه داشت، بلکه نشان داد هیچ‌یک از بازیگران قادر نیستند مسیر نظامی به اهداف نهایی خود دست یابند. همین تجربه می‌تواند انگیزه‌های جدی‌تری برای حرکت به سوی توافقی پایدار تر باشد. در نهایت، اگر روند کنونی حفظ شود، طرفین بتوانند مخالفان داخلی و منطقه‌ای این توافق را مهار کنند. شانس موفقیت مذاکرات شصت‌روزه آینده را بالا می‌دانم. تحقق چنین توافقی نه تنها به سود مردم ایران، بلکه به سود ثبات منطقه، اقتصاد جهانی و آینده روابط ایران با جهان خواهد بود. همه این تحولات به سود مردم، منافع ملی و آینده ایران خواهد بود.

معتمد که اراده سیاسی امروز در کاخ سفید، رسیدن به یک توافق‌نامه نهایی با ایران و پایان دادن به منازعه چهارهفت‌ساله میان دو کشور است. در همین یادداشت تفاهم نیز شاهد عقب‌نشینی‌های ملموس پزیدنت ترامپ در برابر ایران هستیم. عقب‌نشینی‌هایی که در ماه‌های گذشته کمتر می‌شود. در عین حال، یک ترک‌مخاصه رسمی نیز عملاً شکل خواهد بود.

مهم‌ترین تفاوت امروز با ماه‌های پیش از جنگ آن است که هر دو طرف فاکتور هزینه‌های واقعی تقابل نظامی را تجربه کرده‌اند. جنگ چهل‌روزه نه تنها خسارت‌های سنگینی برای همه طرف‌ها به همراه داشت، بلکه نشان داد هیچ‌یک از بازیگران قادر نیستند مسیر نظامی به اهداف نهایی خود دست یابند. همین تجربه می‌تواند انگیزه‌های جدی‌تری برای حرکت به سوی توافقی پایدار تر باشد. در نهایت، اگر روند کنونی حفظ شود، طرفین بتوانند مخالفان داخلی و منطقه‌ای این توافق را مهار کنند. شانس موفقیت مذاکرات شصت‌روزه آینده را بالا می‌دانم. تحقق چنین توافقی نه تنها به سود مردم ایران، بلکه به سود ثبات منطقه، اقتصاد جهانی و آینده روابط ایران با جهان خواهد بود. همه این تحولات به سود مردم، منافع ملی و آینده ایران خواهد بود.



نشده؛ حمایت ایران از متحدان منطقه‌ای‌اش پایان نیافته‌است. با اینکه حکومت ایران اکنون «فرصتی بی‌سابقه برای مبادله جلاطلبی‌های هسته‌ای با پول و سرمایه‌گذاری‌ها» دارد، از دیدبان مجله احتمال موفقیت این شرط‌بندی محدود است.

هوج بدون چماق

مجله اکونومیست معتقد است ترامپ «روی این شرط‌بندی که دره که ایران پول را بیشتر از نفوذ می‌خواهد» و این توافق را بر اساس اصل «هوج بدون چماق» توصیف می‌کند. این مجله می‌گوید ترامپ از بیشتر اهداف جنگی خود عقب‌نشینی کرده‌است؛ تغییر نظام ایران رخ نمی‌دهد؛ محدودیتی برای موشک‌های بالستیک ایجاد

الجزیره تحلیل کرد:

چرا توافق با ایران بیشتر شبیه پیروزی تهران است تا دستاوردی برای ترامپ؟

تحلیل‌هایی که در روزنامه‌های نیویورک تایمز، واشنگتن پست، گاردین و اکونومیست منتشر شده‌اند، همگی بر این باورند که توافق با ایران دست‌عقب‌نشینی قابل توجهی داشته؛ در حالی که ایران بدون ارائه امتیازات اساسی و فوری در برانه برنامه هسته‌ای یا نفوذ منطقه‌ای خود، فضای اقتصادی گسترده‌ای به دست آورده‌است.

دستاوردهای اقتصادی برای تهران

روزنامه نیویورک تایمز اشاره می‌کند که این توافق برای ایران یک «شریان حیاتی اقتصادی» الجزیره بر این اساس و در محاصره دریایی آمریکا علیه بنادر ایران برداشته می‌شود. امکان صادرات دوباره نفت فراهم خواهد شد؛ پیش از آنکه توافق نهایی درباره برنامه هسته‌ای حاصل شود. پژوهشگر سیاست خارجی ایران، نیکول گراوسکی، می‌گوید: «این یادداشت توافق در مجموع به نفع ایران به نظر می‌رسد». زیرا تهران یک «مسیر برای کاهش تحریم‌ها، بازگشت صادرات نفت، دریافت منافع اقتصادی و کاهش فشارهای نظامی» به دست می‌آورد. در مقابل تعهدات هسته‌ای که نسبتاً محدود هستند. این اقدام در شرایطی انجام می‌شود که اقتصاد ایران با سقوط ارزش پول ملی، افزایش نرخ تورم و تشدید اعتراضات مردمی مرتبط با شرایط معیشتی روبرو است. بر اساس گزارش این روزنامه، از سرگیری

صادرات نفت می‌تواند میلیارد‌ها دلار وارد اقتصاد ایران کند، فشار بر بودجه دولت را کاهش دهد و ارزش ریال ایران را تقویت کند؛ هر چند مشکلاتی مانند فساد و سوءمدیریت همچنان باقی خواهد ماند.

عقب‌نشینی از خطوط قرمز

در عرصه بین‌المللی، گاردین معتقد است این توافق نشان‌دهنده «پذیرش این واقعیت است که آمریکا نتوانست از طریق جنگ به اهداف مورد نظر خود برسد». زیرا آمریکا از سال ۲۰۲۵ شرط گذاشته بود که ایران غنی‌سازی داخلی را متوقف کند، ذخایر اورانیوم غنی شده خود را به خارج منتقل و تأسیسات جدید غنی‌سازی را تعطیل کند. اما اکنون ترامپ حق ایران برای ادامه غنی‌سازی اورانیوم با هدف صلح‌آمیز را پذیرفته‌است؛ با این شرط که سطح غنی‌سازی به ۳.۶۷ درصد کاهش یابد و تحت نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی باشد. همچنین رفع محدودیت‌های نفتی در عمل نیازمند کاهش محدودیت‌های بانکی، بیمه‌ای و لجستیکی مرتبط با تجارت ایران خواهد بود.